پارسیان دژ
تاریخ، فرهنگ و میراث ایران

مجموعهٔ مقاله‌ها
نسخهٔ ماندگار

ایران در دوران معاصر

سخنان ستار خان (سردار ملی)

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی
انتشار: ۱ مهر ۱۳۹۴ · ۳ دقیقه مطالعه

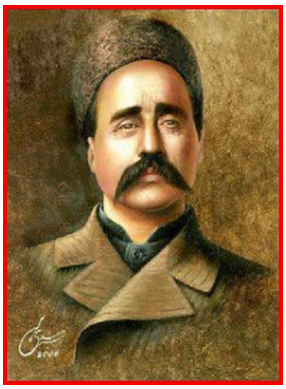

چکیدهٔ مقاله

ستار خان : مشروطه خواه ، تفنگچی نیست بل آزادی خواه است اگر آزادی نباشد ایران به آشوب کشیده می شود قاجار ، مشروطیت را می پذیرد و یا از ایران می رود . ستار خان : ایرانیان حق دارند پادشاه خویش را خود انتخاب کنند و همین طور نمایندگان مجلس را . ستار خان : دولتین انگلیس و روس را از دخالت در امور خاریه ایران برحذر می دارم آنچه بین ماست داخلی است و هر تعرضی به ایران بیجواب نخواهد ماند . ستار خان : وطن پرست ترین کسی که شناخته ام همانا فردوسی ، پیر مرد توسی است . ستار خان : شجاعت بدون هدف و آرمان ملی قدرت

پارسیان دژ / ایران در دوران معاصر

ستار خان : مشروطه خواه ، تفنگچی نیست بل آزادی خواه است اگر آزادی نباشد ایران به آشوب کشیده می شود قاجار ، مشروطیت را می پذیرد و یا از ایران می رود .

ستار خان : ایرانیان حق دارند پادشاه خویش را خود انتخاب کنند و همین طور نمایندگان مجلس را .

ستار خان : دولتین انگلیس و روس را از دخالت در امور خاریه ایران برحذر می دارم آنچه بین ماست داخلی است و هر تعرضی به ایران بیجواب نخواهد ماند .

ستار خان : وطن پرست ترین کسی که شناخته ام همانا فردوسی ، پیر مرد توسی است .

ستار خان : شجاعت بدون هدف و آرمان ملی قدرتی محسوب نمی شود .

ستار خان : یکی از بزرگترین آرزوهایم باز گرداندن باکو به سرزمینمان ایران است .

ستار خان : در پاسخ به ظل السطان چنین جملاتی نوشت : اگر یک روز از زندگیم باقی مانده باشد آن یک روز را هم برای استقلال و حفظ کرامت ایران خواهم جنگید حتی اگر لقب شورشی و ضد مملکت به من داده شود .

ستار خان : در نامه ای برای فرمانده قشون روس در سرحد جلفا که به سوی تبریز در حرکت بودند چنین می نویسد: بدان ایرانیان شاید تاب پاشاه ستمگری همچون محمد علی شاه قاجار را بیاورند اما نیروی بیگانه را جز با جام مرگ استقبال نخواهند نمود اگر برنگردید جنازه شما را برای خانوده تان خواهم فرستاد(آنگونه که نقل شده قزاقهای روس پس از دریافت نامه از جلفا عبور نکردند)

ستار خان : چارلز مارلینگ کاردار سفارت انگلیس در ایران در دسامبر سال ۱۹۰۷ میلادی در جلسه ای برای آنکه بداند بین دولت روسیه و ستارخان چگونه است این جملات را از فصل نهم وصیتنامه پطر ، فرمانروای روسیه (هم عصر نادر شاه) می خواند که : " ممالک گرجستان و ولایات قفقاز شریان حیاتی ایران است و همینکه نوک نیش تسلط روسیه بر آن خلید فی الفور خون ضعف از رگ و دل ایران فوران خواهد کرد و چنان او را از حال خواهد برد که به طبابت هزار افلاطون اصلاح طبیعت او ممکن نشود ....
بر شما لازم است که بدون فوت وقت ممالک گرجستان و قفقاز را تسخیر نموده و فرمانفرمای ایران را خادم و نوکر مطیع خود سازید ."
و ستارخان می گوید فکر می کنم این هذیانهای آخر عمر پطر به دهان بسیاری خوش آمده است ! او خود تَرکه ایرانیان را که بدست جهانگشای عالم نادر قلی افشار بود را بارها خورد فرزندانش هم هنوز از زیر لاشه جد خویش بدر نیامده اند این چند صباحی هم که قفقاز از دست ما خارج شده نیز دوامی ندارد اگر عمر یاری کند ایران را به شکل سابق باز خواهیم گرداند .

ستار خان : اگر شاه (محمد علی شاه) غرورش را زیر پا می گذاشت با حقارت از تهران نمی گریخت .

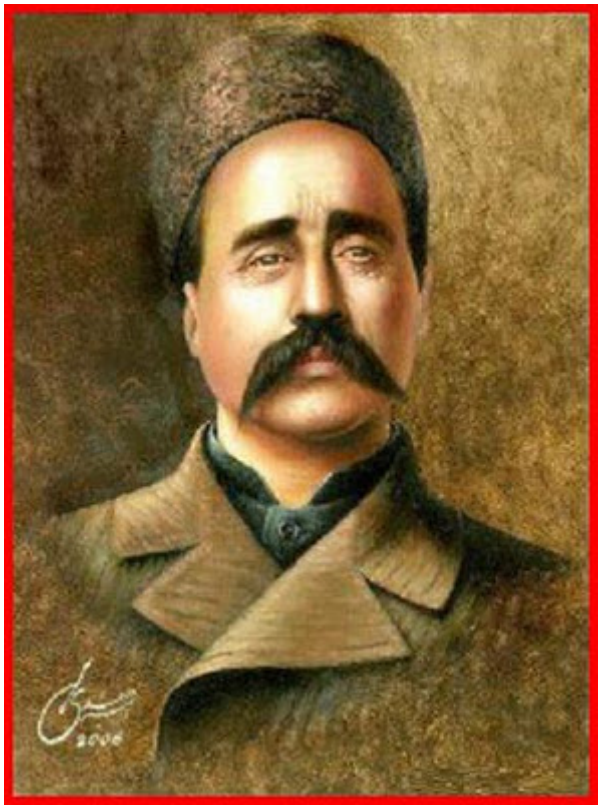

آرامگاه مجاهد مسلمان
ستارخان
فرزند حاج حسن قراچه داغی
که بدلیل رهبری مقاومت سرسختانه
مردم آذربایجان در مقابل اشغالگران
و دشمنان مشروطه بعنوان
سردار ملی
معروف گردید سرانجام پس از عمری مبارزه
و تلاش در روز ۲۵ آبان ماه سال
۱۲۹۳ هـ.ش دار فانی را وداع گفت

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «سخنان ستار خان (سردار ملی)»، پارسیان دژ، ۱۳۹۴.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وب‌سایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

https://parsiandej.ir/articles/1694/pdf/سخنان-ستار-خان-سردار-ملی.pdf

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵